



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۷/۰۱

لالپوروال

## تأملی بر مجعولات، اکاذیب و اباطیل مفتری

ادعا نمودند و اتهام بستند که این جانب لال پور وال نوشته ام: «ظاهر شاه و داؤد خان آدم های خوب نیست، عبد الرحمن پژواک بد است، جهانی نوکر است، سید عبدالله وزیر داخله و عدلیه داؤد خان بچه باز است...» ایجازاً، بمنظور رفع مغشوشیت اذهان قاریین گرام و تصریح موقف خود در قبال شخصیت های ملی و مسایل ملی، احتراماً مینگارم:

در دوره درخشان و آزادی خواهانه دهه دیمکراسی، که با تدوین مترقی ترین قانون اساسی در منطقه و خاتمه بخشیدن به سلسله حکومت استبدادی و مطلقه و په خپل سر، سرداران، از فقید صدر اعظم صاحب کبیر محمد هاشم خان گرفته تا دوره استبداد منور سردار داؤد خان، سر انجام فضای تنفس سیاسی برای مردم افغانستان مساعد گشت و مطبوعات آزاد این زمینه را مساعد ساخت، تا مردم نظریات و انتقادات خود را آزادانه در جراید شخصی و آزاد ابراز دارند.

این جانب نیز در زمره کسانی هستم که نظریات و انتقادات خود در زمینه دیمکراسی و حکومت بر سر اقتدار وقت به شمول حکومت شهید ملت مرحوم میوندوال به شدید ترین وجوه ممکنه ابراز دارم، چنانکه انتقادات من موجب نا رضایتی مرحوم میوندوال گردید، که از تذکر عکس العمل ایشان در زمینه خود داری میورزم، باری میر امین الدین انصاری، که مقام ریاست اداری وزارت مطبوعات را به عهده داشت، برایم گفت که مضامینت آتشینت را با علاقه از نظر میگذرانم.

به خاطر دارم که شخصی بنام «رحمتیان» وکیل هرات در جریان اخذ رأی اعتماد از پارلمان، نظام کشور را فرسوده خواندند، یعنی نظام شاهی مشروطه تحت زعامت اعلحضرت محمد ظاهر شاه فرسوده بود. گویند که: قدر عاقبت آنگاه دانی که به مصیبتی گرفتار آبی، بعد از حدوث کودتاها در کشور، به قدر و منزلت پادشاه، که نظر به تمام زمام داران کشور های اسلامی و منطقه، عادل ترین و دیمکرات ترین زعیم بود، بیشتر پی بردیم. شاه ایران هزاران توده ای و مخالفین مذهبی خود را به دیار عدم فرستاد، پادشاه سابق اردن، هفده هزار فلسطینی مهاجر در کشور را قتل عام نمود، سوهارتوی قصاب دولت، داکتر سوکارنو، یکی از بزرگ ترین بانیان نهضت عدم انسلاک را سقوط داده در یک روز صد هزار نفر از حامیان «ایدت» رهبر حزب کمونیست اندونزی را قتل عام نمود.

خلاصه اینکه نمیتوان تاریخ را به دو انگشت پنهان نمود.

آمدیم در قسمت سردار صاحب بزرگ محمد داؤد خان:

بهترین دوره کار زندگانی سیاسی سردار صاحب بزرگ، همانا دوره کار صدارت او بود، که بنام دوره استبداد منور یاد میشود، مهم ترین آرزو و هدف ایشان به حیث یک شخصیت ملی در آن دوره، احقاق حقوق افغان های ماورای خط تحمیلی و استعماری دیورند، بود که اگر درین مرام بزرگ خود موفق میشدند، میتوان او را در تاریخ بنام احمد شاه بابای ثانی یاد نمود.

حکومت سردار در ساحه جهانی به حیث عضو ارجمند نهضت عدم انسلاک، از حیثیت فراوان برخوردار بود و در سطح داخلی مخصوصاً در ساحه اقتصادی و عمرانی کشور تحرک چشم گیری به ملاحظه رسید. بزرگترین خبط سیاسی سردار صاحب بزرگ، همانا کودتای سرطانی ایشان بود، که در موازات مطامع اتحاد شوروی و به کمک ایادی و مزدوران کرملین صورت گرفت که ایشان از وجاهت ملی و خاندانی سردار به حیث رفیق نیمه راه، خائینانه استفاده سوء نمودند.

این کودتا در واقعیت امر ناشی از هراس بزرگ دولت اتحاد شوروی، از تلاش فاصله گرفتن حکومت محمد موسی شفیق صاحب درایت و نبوغ سیاسی، از وابستگی مزید به مسکو بود.

د پانو شمیره: له ۱ تر ۲

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکنی دلیکنیزی بنی پازوالی د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرو مخکی په خیر و لولی

مسکو نمی خواست کشور همجوارش که در طول سالیان متمادی در آن سرمایه گذاری هنگفتی به عمل آورده بود، از دست بدهد.

انجام توفیق این هدف و عمل حکومت افغانستان تحت رهبری موسی شفیق، به منزله خود کشتی برای مسکو تلقی میشد.

کودتای سرطانی اگر به قول شاغلی «سدید» یگانه عامل تباهی کشور و ملت افغان شمرده نمیشد، اما در واقعیت امر بزرگترین و مؤثرترین عامل آن شمرده میشود، زیرا این کودتا، پلی را برای کودتای مستقیم ایادی کرملین اعمار نمود که خود در موفقیت کودتای سرطانی سهم بزرگ و مستقیم داشتند.

این کودتا که علیه یک نظام مشروع و قانونی کشور صورت پذیرفت نه تنها نقطه حدوث، مصایب بزرگ ملی مابعد شمرده میشود بلکه به کشتار سردار صاحب بزرگ و تمام اعضای نجیب خانواده او منتهی میگردد.

سردار داؤد خان در مجموع یک شخصیت بزرگ ملی بود و نباید کشته میشد، آنایکه صرف روی ملحوظات سیاسی از کودتای سرطانی دفاع مینمایند در حقیقت در قسمت شهادت سردار و اعضای فامیل نجیبش بی تفاوت به نظر میرسند.

متیقم اگر شخص دیگری به غیر از سردار، به همچو کودتای نا میمون به اشتراک ایادی کرملن، مبادرت میورزید هوا خواهان و سردار پرستان بدون کوچکترین تردید، امروز به او لعنت میفرستاد.

این جانب برخلاف برادر مرحوم که طرفدار شاه مرحوم بود، از دوستداران، سردار صاحب داؤد خان بودم، چنانکه روی همچو احساس از طریق پسر سردار شهید «ویس»، با ایشان باب مکاتبه باز نمودم که نامه سردار صاحب داؤد خان عنوانی این جانب تا هنوز از گزند روزگار در امان مانده و نزد من موجود است.

من تا هنوز معتقدم که سردار یک شخصیت گرانقدر و صاحب غرور بزرگ ملی بود و با افتخار مرگ را بی ننگی تسلیمی به ایادی کرملن و رفقای حسن «چپ» ترجیح داد.

در مورد شناخت من در مورد استاد پژواک و اشتباهات و پندار های سیاسی اش در آینده، مطالبی خواهم نوشت، اینکه اینجانب نوشته ام که استاد پژواک آدم بد است، از کژ اندیشی مفتخری نمایندگی میکند، استاد پژواک یکی از شخصیت های بزرگ و وطنپرست معاصر کشور است.

من هرگز نگفته ام که باری جهانی، نوکر است، من جهانی را به حیث یکی از چهره های درخشان ادب زبان اکثریتی، ولی یتیم ملی وطن خود میشناسم، اینکه موصوف در دوره وزارت اطلاعات و کلتور مصدر کوچکترین خدمتی نشدند، مطلبی است که ایشان خود بر آن معترف اند، و در مجلسی دلایل ناتوانی و بیچاره گی خود را ابراز داشتند.

مدت بیست سال قبل مرحوم محمد هاشم زمانی، پسر جنرال صاحب میرزمان خان کنری که از حامیان جان فداى ستاره مشرق زمین یعنی غازی امان الله و مانند سید حسن خان حسن از مفاخر ولایت کنر بود، دعوتی به افتخار شاغلی باری جهانی ترتیب داده بودند، که این جانب در آن مجلس پیشنهاد خطاب استادی را برای جهانی نمودم، که از طرف ادباً و شعرای مجلس مذکور با لیبک استقبال گردید.

قابل تذکر است که خانواده زمانی که به گناه ارادت به غازی امان الله، سالیان متمادی در باستیل دهمزنگ محبوس بود، بعد از رهایی از زندان در دوره استبداد منور دوره صدارت داؤد خان به ولایت هرات مفرور شدند، استاد داکتر زمانی که خود محقق بزرگی هستند از بر خورد و وضع نجیبانه و شریفانه والی صاحب محمد اسمعیل خان مایار که برادر خوانده پدر نویسنده این سطور بود به نیکی یاد میکنند.

اتهام بستند که این جانب نوشته است که «سید عبدالله بچه باز بود.»

این جانب سید عبدالله شداد وزیر دو سره «داخله و عدلیه» دوره صدارت منور سردار صاحب را از دوران وزارت او میشناسم، اینکه موصوف قبلاً چی کاره بود اطلاعی ندارم.

این سر تاج مبارزان ملی، داکتر سید خلیل هاشمیان بود که درین وب سایت نوشت که سید عبدالله، زمانیکه مدیر لیسه حبیبیه بود بر یکی از شاگردان مکتب مذکور تجاوز جنسی نمود و در نتیجه شکایات خانواده متعلم مذکور، سید عبدالله از طرف سردار محمد نعیم خان از وظیفه مدیریت لیسه حبیبیه، برطرف گردیده و چندی محبوس نیز گردید.

این نوشته استاد هاشمیان درین وب سایت درج است، امیدوارم متصدیان محترم این وب سایت آن نوشته را به ادرس مفتخری ارسال دارند، تا در آینده از پیشه افترا جلوگیری به عمل آید.

خداوند طرفدار حق و حقیقت است.

با عرض مراتب حرمت